

نقش فضاهای واسط شهری در انسجام عناصر شهری شهرهای اسلامی

پانته آ علی پور کوهی^۱، آیدا باقری بهشتی^{۲*}

۱- دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد علوم تحقیقات (p.alipour@alumni.ut.ac.ir)
۲- دانشجوی دکتری شهرسازی دانشکده هنر و معماری دانشگاه آزاد علوم تحقیقات (ida.beheshty@gmail.com)

چکیده

در این مقاله سعی بر این است که به تبیین جایگاه فضاهای واسط شهری در شهرهای اسلامی پرداخته شده و نقش اولیه آن‌ها در شکل‌گیری ساختار شهری و ایجاد وحدت فرمی-فضایی ریشه‌یابی شود. در شهر قدیم فضاهای واسط و آستانه‌ای علاوه بر نقش اصلی آن‌ها در فرم شهر و ساختار عناصر اصلی شهر و ایجاد هم‌پیوندی فضایی، به عنوان صحنه رویدادی، در شکل‌گیری خاطرات فردی و جمعی شهروندان موثر بوده‌اند. ولی امروزه بدلیل نادیده گرفته شدن تأثیر بسزای این فضاها، اهمیت و کارکرد آن‌ها رو به افول است. هدف اصلی، حفظ و ارتقای فضاهای واسط و تبدیل آن‌ها به یک مکان-زمان، و اتصال آن‌ها با بافت اطراف است. به این ترتیب با روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر مطالعات کتابخانه‌ای، اسنادی ابتدا به تعریفی از فضاهای واسط و آستانه‌ای و شهر اسلامی و عناصر موجود در شهر اسلامی پرداخته، سپس با مروری بر پنج نمونه از مصادیق وبا بازخوانی نقش و کارکرد اولیه آن‌ها، به ارائه راهبردهایی در جهت حفظ و ارتقاء فضاهای واسط پرداخته می‌شود تا علاوه بر حفظ وحدت شکلی ساختار اولیه بافت، در تداوم حس مکان و انتقال تجارب و خاطرات گذشته ارزشمند فضایی به آیندگان تأثیرگذار باشد.

واژه‌های کلیدی: فضای واسط، آستانه، مکان، شهر اسلامی، عناصر شهری در شهر اسلامی.

۱- مقدمه

مکان بخشی از فضا است که به وسیله شخص یا چیزی اشغال شده و دارای بار معنایی و ارزشی است. اگر فضا امکان وقوع حرکت را می‌دهد، مکان درنگی پدید می‌آورد. هویت یک مکان، آمیزه‌ای خاص است از روابط اجتماعی و بدین خاطر همواره بدون ثبات، مجادله‌ای و چندگانه می‌شود.

قلمرو با یک مکان، هویت روان‌شناختی می‌یابد و با احساس مالکیت و ترکیب کالبدی به صورت نماد در می‌آید [۱] متمایز شدن خصوصیات یک مکان از مکانی دیگر باعث می‌شود که افراد ساکن احساس نمایند که مکان زندگی آنها باعث می‌شود که افراد ساکن احساس نمایند که مکان زندگی آنها دارای کیفیات خاص است و ضمن علاقه به آن، تمایل به تأمین نیاز در داخل محدوده آن مکان داشته باشد. [۲] چنین احساسی نسبت به محل زندگی احساس تعلق به مکان گفته می‌شود که لنگ آن را به عنوان حس شهروندی نسبت به مکان تعبیر کرده است. لینگ نیز در توضیح محورهای عملکردی برای تدوین یک تئوری شکل خوب شهر مفهوم حس تعلق را در محور معنی مورد تأکید قرار داده است. [۳] یعنی ایجاد و ارتقای حس تعلق به مکان برای افزایش حس تعلق اجتماعی. بدین ترتیب مکان‌ها، کانون‌های فضایی هستند که به کمک حوادث و رویدادهای معنی‌دار هستی در آنها تجربه می‌شود. [۴]

مرز و آستانه، عناصر مکان را بنیان می‌نهند [۵] آنها فضای‌گذاری را از یک قلمرو به قلمرو دیگر بوجود می‌آورند که می‌تواند در نوع خود بی‌نظیر باشد. یک آستانه، مفصلی است که بین قلمرو گروه‌های مختلف قرار می‌گیرد. بنابراین آستانه می‌تواند یک